

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن:۵۴ و ۸۸۹۳۲۷۰ • نمابر:۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۴۸۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شترق

روزنامه

سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴ • ۲۲ ذی‌القعدة ۱۴۴۶ • ۲۰ می ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۱۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۲۷ • اذان صبح فردا ۳:۱۵ • طلوع آفتاب ۴:۵۵

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

افراط و تفریط در بزرگداشت‌ها



قادر باستانی

و منابع رانتی پناه می‌برد. این رفت‌وآمد دائمی در دلان‌های قدرت، مجالی برای زیست مستقل، مردمی و تجربه زیسته در بطن جامعه باقی نمی‌گذارد و دقیقاً به همین دلیل است که درک صحیح و بی‌واسطه‌ای از مسائل و اولویت‌های واقعی مردم شکل نمی‌گیرد.

زیست رانتی، نه‌تنها مانع از شناخت واقعیت‌های اجتماعی می‌شود، بلکه افراد و جریان‌ها را به‌تدریج در نوعی ایزوله‌شدن ذهنی و بی‌خبری از دردهای مردم فرومی‌برد؛ تا آنجا که حتی سوغوری نیز در این چارچوب، از معنای اصیل خود تهی شده و به پروژه‌ای تبلیغاتی، نمایشی و پرهزینه تبدیل می‌شود. نهادسازی‌های شتاب‌زده و برگزاری سلسله‌نشست‌هایی با عناوین پرطمطراق اما محتوایی کم‌مایه، نه‌تنها کمکی به فهم عمیق‌تر از سیره و میراث رئیس‌جمهور فقید نمی‌کند، بلکه این دغدغه اخلاقی را در ذهن مردم تقویت می‌کند که آیا واقعا این هزینه‌ها از جیب بیت‌المال پرداخت می‌شود؟ و اگر پاسخ مثبت است، آیا چنین شیوه‌ای با منش آن شهید که خود اهل ساده‌زیستی و پرهیز از تجمل بود، در تضاد آشکار نیست؟ بی‌تردید، اگر او در قید حیات بود، خود نخستین منتقد چنین اسراف‌ها و رفتارهای

گزارش‌خوانی

جنازه‌اهالی فرهنگ بر زمین مانده

است که نمی‌قنر، بی‌هیاهو، برای فرهنگ این سرزمین نوشت؛ مزاری بی‌سنگ.

بعد از تماس‌های بسیار و پیگیری، نهایتاً شنبه صبح معاونت فرهنگی وزارت ارشاد نامه را صادر کرد. البته پیش‌تر گفتند شورای شهر برای دفن در قطعه نام‌آوران قانون تازه‌ای گذاشته: داشتن نشان درجه‌یک فرهنگی-هنری، جایزه دولتی یا امثال آن. با کُلی توضیح که شاه‌رخشاش، شاعر پیش‌کسوتی است، بیش از ۵۰ سال کار فرهنگی کرده و با همراهی و پیگیری برخی، نامه را دادند و نامه را گرفتیم.

اما بعد از چندین بار پیگیری، شورای شهر گفت چون هیچ‌کدام از شروط مصوب را ندارد و نامه وزارتخانه هم به‌تهایی کافی نیست، نمی‌توانند مجوز دفن در قطعه نام‌آوران را صادر کنند. مهندس مربوطه نامه را دیده و رد کرده که ضمیمه نامه فقط مجموعه کامل اشعارشان و کتاب‌هایش است و مدارک دیگر مثل جایزه دولتی و نشان درجه‌یک هنری-فرهنگی و… نیست.

گفتم او از معدود بازماندگان نسل طلایی شعر معاصر بود، از دهه ۴۰ در فردوسی و آیندگان نقد می‌نوشت، سال‌ها در همین خاک ماند، نه رفت، نه حمایتی خواست، نه سهمی مطالبه کرد و کسی را اینجا ندارد و… فقط حالا در مرگ، دو متر خاک می‌خواهد که آن هم دریغ می‌شود؟

پاسخ دفتر شورای شهر این بود: قانون است. حق و ناحق می‌شود! گفتم: استثنا وجود دارد و مگر مرگ بزرگان این خاک خودش استثنا نیست؟

اگر دادن دو متر خاک به شهرام شاه‌رخشاش و هر نویسنده و شاعری که برای فرهنگ و هنر این ملک قدمی برداشته و قلمی زده، «حق و ناحق» را در این مملکت به هم می‌ریزد، پس وای به حال

قطعه نام‌آوران قرار بود برای اهالی فرهنگ و نام‌آوران این عرصه باشد. همه آنان که به‌گونه‌ای برای ایران و اعتلای فرهنگ تلاش کرده‌اند. یادمان هست که مهران قاسمی و احمد بورقانی از اولین کسانی بودند که در این قطعه آرمیدند، هر دو در فاصله‌ای اندک. اما به نظر می‌رسد یک مصوبه شورای شهر تهران طی چند سال گذشته، سدی بر سر راه اهالی فرهنگ شده است. طبق این مصوبه دیگر امضای معاونت فرهنگی یا وزیر فرهنگ کافی نیست تا بتوانند با خیال راحت در این مکان به خاک سپرده شوند. طبق این مصوبه فقط دارندگان نشان درجه‌یک فرهنگی-هنری یا برندگان جایزه کتاب سال یا یک جایزه دولتی می‌توانند در این مکان بیارامند.

اما طی هفته گذشته اتفاقی عجیب افتاده و پیکر یک شاعر مدت‌هاست بر زمین مانده است. به گزارش ایشنا حدود یک هفته از درگذشت شهرام شاه‌رخشاش می‌گذرد، اما پیکر این شاعر هنوز به‌تاکلیف مانده است.

اعظم کیان‌افزار، ناشری که مجموعه کامل اشعار شهرام شاه‌رخشاش را در انتشارات افراز منتشر کرده، دراین‌باره نوشته است: «چهارشنبه که خبر درگذشت شهرام شاه‌رخشاش را به ایشنا دادم، نمی‌دانستم مراحل اداری و… کفن‌ودفن این‌قدر پروسه سختی باشد. تا شنبه و یکشنبه، سه بار رفت‌وآمد به پزشکی قانونی کهریزک، کلانتری و نهادهای دیگر لازم بود تا بتوانیم پیکر را تحویل بگیریم.

از این بخش بگذریم. اما آنچه مهم‌تر است: از همان لحظه اول، پیکر بودم که ایشان در قطعه نام‌آوران آرام گیرد، هم برای نامش و هم برای اینکه شاه‌رخشاش در تمام زندگی‌اش درویش‌وار زیست، چیزی نپندوخت، چیزی نخواست. در اتاقی کوچک و بدون کمترین امکاناتی در زیر پله زندگی می‌کرد… حالا هم که نیست، قبرهای قطعه‌های جدید، سه‌طبقه‌اند و… این سرنوشت نهایی شاعری

۴۰ روز پس از تحویل گندم به سیلوهای دولتی،

کشاورزان گندم‌کار همچنان چشم‌به‌راه دریافت مطالبات خود هستند. در سال جاری، کشاورزان تهرانی که از ابتدای فصل برداشت در فروردین-۱۴۰۴ گندم خود را تحویل دولت داده‌اند، هنوز هیچ‌گونه پرداختی دریافت نکرده‌اند. این در حالی است که تا ۱۰ اردیبهشت ۱۴۰۴، دولت ۱۰۵۱۴ میلیون تن گندم به ارزش بیش از ۳۱ همت خریداری کرده است و درحالی‌که قانون خرید تضمینی شفاف گفته پول خرید تضمینی ۴۸ساعته پرداخت شود، عزمی در پرداخت مطالبات گندم‌کاران مشاهده نمی‌شود.



«باغ سنگی» سیرجان، واقع در دهستان بلورد و در ۳۰ کیلومتری شهر سیرجان استان کرمان، یکی از جاذبه‌های منحصربه‌فرد ایران است. این باغ، با وسعتی حدود ۱۰۰۰ مترمربع و ۱۸۰ درخت، ویژگی خاصی دارد؛ میوه‌های سنگی که به شاخه‌های درختان آویزان شده‌اند. داستان این باغ از زمانی آغاز شد که درختان باغ «درویش‌خان اسفندیارپور» در پی پیامدهای اصلاحات ارضی دهه ۱۳۴۰ خشک شدند. عکس: محمد عطایی، ایرنا

آمارخوانی

چرخش معنادار نمایشگاه کتاب به سمت فروش مجازی

با وجود افزایش ۲۵درصدی قیمت کتاب در سال ۱۴۰۴ در مقایسه با سال ۱۴۰۳، تعداد کتاب‌های فروش‌رفته در نمایشگاه ۱۴۰۴ حدود ۲۴ درصد افزایش داشته، اما چرخش مهم در نمایشگاه کتاب تهران در سال ۱۴۰۴ این است که نقطه عطفی در دیجیتالی‌شدن بازار کتاب را تجربه کرده و فروش مجازی برای اولین بار سهم غالب بازار را به خود اختصاص داده است. براساس گزارش منتشرشده از سوی روابطعمومی نمایشگاه، فروش حضوری هم امسال در مقایسه با سال گذشته رشد کرده، اما نرخ رشد فروش مجازی (۹۳ درصد) تقریباً دو برابر نرخ رشد فروش حضوری (۲۱ درصد) بوده است. فروش کل نمایشگاه کتاب در سال ۱۴۰۳، بیش از ۴۹۵ میلیارد تومان بوده که در سال ۱۴۰۴ به حدود ۷۴۸ میلیارد تومان رسیده است که رشدی ۵۵درصدی را نشان می‌دهد. بنا بر همین گزارش، مبلغ فروش مجازی در سال ۱۴۰۳ اندکی بیش از ۲۳۲ میلیارد بوده که نزدیک به ۴۸ درصد از فروش را شامل می‌شده، درحالی‌که در نمایشگاه ۱۴۰۴ به حدود ۴۵۰ میلیارد تومان رسیده است که ۵۸٫۵ درصد از فروش کل است. براساس همین آمار در سال ۱۴۰۳ فروش حضوری بیش از ۲۶۱ میلیارد و در سال ۱۴۰۴ حدود ۳۲۰ میلیارد تومان بوده است.

روْیای دور از دسترس

براساس داده‌های رسمی، فقط هفت‌میلیون و ۷۸۸ هزار خانوار ایرانی در طول یک سال گذشته حداقل یک بار به سفر رفته‌اند؛ آماري که نشان می‌دهد نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت کشور، یعنی بیش از دوسوم مردم، در این مدت اصلاً سفر نکرده‌اند. با توجه به جمعیت بیش از ۲۵ میلیون خانوار در ایران، این آمار از کاهش تقاضای سفر حکایت دارد. کاهش قدرت خرید خانوارها، افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل و اقامت و نبود زیرساخت‌های حمایتی برای سفر ارزان، به عنوان دلایل کاهش سفر عنوان شده است. شاید تصور کنیم که دیده‌های ما برخلاف این آمار هستند. ما در طول ایام تعطیلات، چه در نوروز و چه مناسبت‌های دیگر، با حجم بالای مسافرائی روبه‌رو می‌شویم که در جاده‌های ایران سفر می‌کنند یا در بیشتر شهرهای شمالی کشور پنجشنبه و جمعه تعداد مسافران زیاتر از مردم آن شهرها به نظر می‌رسد. این آمار نشان می‌دهد که این افراد فقط ۳۰ درصد جمعیت ایران را در بر می‌گیرند و ۷۰درصد دیگر حتی سالی یک بار نیز نمی‌توانند به سفر بروند. همین یک آمار، برای ما پنجره‌های دیگری را نیز می‌گشاید. سفرنرفتن فقط یک واقعیت اقتصادی نیست؛ پیامدهای فرهنگی، اجتماعی و حتی روانی نیز دارد. صنعت گردشگری، مشاغل مرتبط با سفر، و اقتصاد مناطق محروم و کم‌توسعه‌یافته از جمله بخش‌هایی‌اند که به‌شدت از این کاهش آسیب می‌بینند. بسیاری از مشاغل فصلی و خرد که با گردشگری گره خورده بودند، در سال‌های اخیر یا به مرز تعطیلی می‌رسند یا رسیده‌اند.

هنرخوانی

انتقاد از ترامپ در «کن»

کریستن استوارت به انتقاد از ترامپ در جشنواره کن پرداخت و گفت تأثیر ترامپ بر صنعت فیلم‌سازی وحشتناک است. او در گفت‌وگو با هالیوودریپورتر درباره تأثیر ریاست جمهوری «دونالد ترامپ» بر صنعت فیلم‌سازی نکاتی را مطرح کرد و گفت: «باید منتظر بدترین حالت باشیم». استوارت که با فیلم «گاه‌شناسی آب» در بخش نوعی نگاه جشنواره کن حضور دارد، گفت: در چندینی زندگی می‌گذرد که در یک چشم به هم زدن فرومی‌باشد… همگی به پشت سر نگاه می‌کنیم و می‌گوییم: «سقوطی وحشتناک است».

او در ادامه درباره اعمال تفرقه‌های ترامپ می‌گوید: «هر روز درموردش حرف می‌زنیم، می‌گوییم چه خواهد شد؟ [به‌ویژه] حالا که بالاخره جایگاه خود را پیدا کرده‌ایم… نه اینکه پیش از این خائنانه نبود اما حالا، به معنای واقعی چنین است. به‌شدت بنیادین و حیاتی است و طبیعتاً وحشتناک، سایه ترامپ حقیقتاً اور و بسیار سیاه است… باید منتظر بدترین حالت باشیم و برای بهترین حالت بجنگیم». استوارت در بخش دیگری از مصاحبه نسبت به وضعیت سیاسی فعلی دنیا ابراز خوش‌بینی می‌کند: «زمان هیجان‌انگیزی برای زنده‌بودن است و جذاب است که صدای همه ما شنیده می‌شود. اما در عین حال، چه تأثیری خواهد داشت؟ چه خواهد شد؟».

اندوه‌خوانی

چالش خاموش کارگری در ایران؛ صدایی که شنیده نمی‌شود

سیدمهردادبنی‌هاشمی‌کهنکی

در سایه وضعیت کلان اقتصادی، چالش کارگری در ایران به یک نگرانی امنیتی- اجتماعی بدل شده است؛ اما همچنان در حاشیه سیاست‌گذاری‌ها باقی مانده است. در روزهایی که بحث بودجه، سیاست خارجی و بحران‌های منطقه‌ای تیت‌ر یک رسانه‌هاست، وضعیت کارگران ایرانی –به‌ویژه در بخش‌های خدمات، صنعت و کشاورزی- در سکوت خبری و سیاسی گرفتار مانده است. این موضوع نه ناکهانی، بلکه حاصل سال‌ها بی‌توجهی به حقوق بنیادین نیروی کار، نبود شفافیت در قرارداده‌ها، شکاف مزدی فزاینده و فقدان امنیت شغلی در سایه ساختارهای معیوب قانون کار است.

کارگران در مرز بقا

براساس آمار رسمی، بیش از ۸۰ درصد کارگران کشور با قراردادهای موقت مشغول به کارند؛ قراردادهایی که اغلب از حداقل‌های قانونی نیز عبور نمی‌کنند. حداقل دستمزد تعیین‌شده، حتی با فرض پرداخت کامل و به‌موقع، از سبد معیشت واقعی فاصله‌های چشمگیر دارد. افزایش تورم، حذف یارانه‌ها و سقوط ارزش پول ملی، وضعیت را برای طبقه کارگر به سطح «کار برای بقا» رسانده است.

نبود تشکل‌یابی مستقل؛ حلقه مفقوده قدرت کارگری
یکی از جدی‌ترین بحران‌ها، فقدان تشکل‌های مستقل و مؤثر کارگری است. درحالی‌که بسیاری از کشورها با اتحادیه‌های قوی کارگری به تنظیم سه‌جانبه روابط کار (دولت، کارگر، کارفرما) دست یافته‌اند، در ایران کارگران از ابزار چانه‌زنی جمعی و قانونی محروم‌اند. محدودیت بر افزایش سندیکاهای کارگری، برخورد با تجمعات صنفی و انحصار نمایندگی کارگران در شوراهایی با وابستگی سیاسی، عملاً صدای آنان را خاموش کرده است.

کارگر ایرانی در عصر نابرابری جهانی‌شده

در دوران پس از کرونا، بسیاری از کشورهای در حال توسعه با تزریق بسته‌های حمایتی از فروپاشی بازار کار جلوگیری کردند؛ اما در ایران، نه‌تنها حمایتی مؤثر انجام نشد، بلکه شوک‌های اقتصادی مانند حذف ارز ترجیحی و افزایش مالیات‌ها فشار مضاعفی بر دوش مزدبگیران وارد کرد. جهانی‌شدن، برای کارگران ایرانی نه فرصت، بلکه تهدیدی بوده که بی‌پشتوانگی داخلی، آن را تشدید کرده است.

چه باید کرد؟

نخستین گام، بازنگری جامع در قانون کار با رویکرد عدالت‌محور و به رسمیت شناختن تشکل‌های مستقل کارگری است. اصلاح ساختار بیمه، تضمین قراردادهای دائم برای مشاغل پایدار و افزایش واقعی دستمزدها متناسب با سبد معیشت ضروری است. دولت و مجلس باید درک کنند که امنیت شغلی و کرامت نیروی کار، بخشی جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی است.

سخن پایانی

مسائل کارگری در ایران نه‌فقط یک موضوع اقتصادی، بلکه موضوعی انسانی، اجتماعی و اخلاقی است. صدای کارگر امروز، اگر شنیده نشود، فردا در هیاهوی چالش‌های اجتماعی یژواک خواهد یافت؛ آن وقت شاید دیگر برای گفت‌وگو دیر باشد.

